

تربیت فرزند در سیره امام مجتبی علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا*

اشاره

تربیت فرزند، یکی از مهم‌ترین وظایف والدین و مربیان در عرصه زندگی است. تربیت، به معنای شکوفانمودن استعدادهای درون انسان‌ها و هدایت غرایز نهفته آنان به سوی قله کمال و رستگاری می‌باشد. تربیت، مجموعه تلاش‌های سنجیده و منظم برای نیل به هدف‌های مشخص و شکوفاسازی توان‌های بالقوه در تمام ابعاد وجودی انسان است. از آنجا که امامان معصوم شیعه علیهم السلام بهترین شیوه‌های تربیتی فرزند را فرا روی پیروان خود نهاده‌اند، سیره و سبک زندگی آنان می‌تواند به عنوان موفق‌ترین الگوهای تربیتی مطرح شود. در این نوشتار، به بررسی روش‌های تربیت فرزند در سیره امام حسن مجتبی علیه السلام می‌پردازیم.

الف. اهمیت تربیت فرزند

در بررسی شناخت ویژگی‌های انسان متوجه می‌شویم که از سویی، انسان موجودی متعالی و مستعد رسیدن به کمال است و برای سیر تکاملی خویش، نیازمند پیروی از یک روش تربیتی قوی و کامل می‌باشد. از سوی دیگر، برای ساختن جامعه‌ای نمونه و تربیت انسان‌های کامل و سالم، اصول و روش‌هایی لازم است که انسان در سایه آنها بتواند به دور از هرگونه انحراف، مسیر سعادت را بپیماید. امام حسن علیه السلام در زمینه ضرورت تربیت روحی و معنوی انسان می‌فرماید: «عَجِبْتُ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَا كَوْلَهُ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ، فَيَجَنَّبُ بَطْنَهُ مَا يُوذِيهِ وَيُودِعُ صَدْرَهُ مَا يُوذِيهِ؛^۱ تعجب می‌کنم از فردی که در [سلامت] غذای جسمانی خود فکر می‌کند؛ اما در

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم، از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. قطب‌الدین راوندی، الدعوات، ص ۱۴۴ و ۱۴۵.

[سلامت] غذای روح و جان خویش نمی‌اندیشد. در نتیجه، شکم خود را از غذاهای زیان‌بخش حفظ می‌کند؛ ولی سینه‌اش را در مقابل آنچه آن را پست می‌گرداند، رها می‌نماید.»

ب. عوامل و شیوه‌های مؤثر در تربیت

در اینجا به بیان مهم‌ترین عوامل و شیوه‌های مؤثر تربیت از منظر امام حسن علیه‌السلام می‌پردازیم.

۱. خانه و خانواده

خانواده، از مهم‌ترین عوامل تربیتی محسوب می‌شود که هدف از آن، ایجاد و پرورش نسل و هدایت آن به سوی اهداف صحیح تربیت می‌باشد و با پیدایش فرزند، جلوه‌ای تازه به خود می‌گیرد. نتیجه این پیوند، فرزندان است که هرکدام ممکن است در آینده سرباز یا سربار جامعه باشند. روان‌شناسان اجتماعی، خانواده را یکی از پاسداران آثار تمدن می‌دانند. در مورد تأثیر و نقش خانواده در روند صحیح تربیت، از امام مجتبی علیه‌السلام سخنان قابل توجهی به ما رسیده است. در این میان، والدین نقشی اساسی در تربیت فرزند دارند.

- نقش پدر صالح

پدر، رکن مهم خانواده است و باید دارای شرایط و صفات پسندیده‌ای باشد. امام مجتبی علیه‌السلام به مردی که برای نظرخواهی به حضورش آمده بود، فرمود: «رَوْجَهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِي فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمَهَا»^۱ شایسته است که همسر دخترت مردی باتقوا و مؤمن باشد؛ زیرا اگر او دختر تو را دوست بدارد، وی را احترام خواهد کرد و اگر از او خوش دل نباشد، به وی ستم روا نمی‌دارد.» مطمئناً اگر پدر به عنوان مدیر خانواده، فردی صالح و باایمان باشد، همسر و سایر اعضای خانواده را در پرتو مهر و محبت خویش قرار می‌دهد و در اثر شایستگی‌های معنوی خویش، کانون خانواده را به محیطی امن تبدیل نموده، زمینه تربیت فرزندان باایمان و مسئولیت‌پذیر را فراهم خواهد ساخت.

- تأثیر مادر شایسته

مادر، نقش قابل توجهی در رشد و شکوفایی استعداد فرزندان در محیط خانه دارد؛ تا آنجا که یکی از عوامل سعادت و شقاوت انسان را در گرو اعمال مادر او دانسته‌اند. حضرت مجتبی علیه‌السلام

۱. طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۰۴.

در مورد نقش ویژه مادر در ساختار شخصیت افراد سخنی دارد که ما را در درک این مهم یاری می‌کند. آن حضرت هنگامی که با معاویه مناظره می‌کرد، در مورد یکی از علل شقاوت معاویه و سعادت خویش، به نقش مادر اشاره کرد و فرمود: «مادر من، فاطمه علیها السلام و مادر بزرگم، خدیجه علیها السلام [و سعادت ما خانواده در اثر تربیت چنین مادرانی پاک] می‌باشد و مادر تو هند است و مادر بزرگت قتیله [و در دامن چنین زن پست و فرومایه‌ای، پرورش یافته‌ای و این گونه اعمال زشت از تو سر می‌زند].»^۱

مادر، به عنوان یک موجود عاطفی، در ایجاد محیطی آرام برای فرزندان مؤثر است و نقش تعیین‌کننده‌ای از هنگام انعقاد نطفه تا رسیدن به سن آموزش کودکان دارد و به‌خصوص در دوران بارداری و هنگام شیردادن که شخصیت روانی و اخلاقی کودک ساخته می‌شود، مادر منبع تغذیه مستقیم کودک می‌باشد. سعدی این نکته تربیتی را چنین با زبان شعر بیان نموده:

شمشیر نیک ز آهن بد، چون کند کسی ناکس به تربیت نشود ای حکیم کس
باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شوره‌زار خس^۲

امام صادق علیه السلام هم فرموده است: «طوبی لمن کانت أمه عقیفه؛^۳ خوشا به حال کسی که مادری پاکیزه و پاک‌دامن داشته باشد.»

مادر یک وزیر

نوشته‌اند صاحب‌بن‌عباد، از وزرای نیکوکار آل‌بویه، در دوران کودکی که به مسجد می‌رفت تا درس بخواند، مادرش هر روز یک دینار و یک درهم به او می‌داد و می‌گفت: «آن را به نخستین فقیری که برخورد نمودی، بده.» این شیوه مادر، تا دوران جوانی او همچنان ادامه داشت. وقتی هم که او به مقام وزارت رسید، هرشب به خدمتکار خود که رختخوابش را پهن می‌کرد، سفارش می‌کرد یک دینار و یک درهم زیر بسترش بگذارد، تا هنگام صبح فراموش نکند و آن را به فقیر بدهد. این چنین بود که این مرد بزرگ، بر اثر تربیت مادر، در سخاوت و احسان و بخشندگی سرآمد عصر خود گردید.

۱. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۵.

۲. سعدی، گلستان، باب اول، حکایت ش ۴.

۳. شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۶۴.

صاحب به نویسندگان، شاعران، فقیهان، زاهدان، ادبا و حتی ادیب‌زادگانی که در بغداد بودند، کمک قابل توجهی می‌کرد و برای هریک از آنان، سالیانه مبلغی می‌فرستاد. نام برخی از این افراد، در کتب رجال و تاریخ ثبت است. هرکس در ماه رمضان بعد از عصر وارد خانه او می‌شد، حتماً باید افطار می‌کرد و برمی‌گشت. هرشب از ماه رمضان، در کنار سفره وی، افزون بر هزار نفر مهمان حاضر می‌شدند. خیرات و احسان‌هایی که او در ماه مبارک رمضان انجام می‌داد، برابر تمام احسان‌های سالیانه او بود.^۱

۲. دوستان

بعد از خانواده، دوستان و هم‌بازی‌ها و هم‌کلاسی‌های یک کودک می‌توانند به عنوان عامل محیطی در تربیت و خلق و خوی او تأثیرگذار باشند. کودک و نوجوان، گرایش بسیاری به دوستان هم‌سن و سال خود دارد و بدون تردید، این همنشینی و هم‌گرایی دوستان در یکدیگر مؤثر خواهد بود. البته معاشرت با دوستان صمیمی، یک نیاز طبیعی است و لذت‌بخش‌ترین ساعات زندگی برای یک کودک و نوجوان، لحظاتی است که با دوستان سپری می‌کند.

امام مجتبی علیه السلام در این باره به فرزندش می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ لَا تُؤَاخِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَ مَصَادِرَهُ فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْخَبْرَةَ وَ رَضَيْتَ الْعُشْرَةَ فَأَخِهِ عَلَى إِقَالَةِ الْعُشْرَةِ وَ الْمُؤَاَسَاةِ فِي الْعُسْرَةِ؛^۲ فرزندم! با هیچ‌کس دوستی نکن؛ مگر اینکه از رفت‌وآمد او آگاه گردی. هنگامی که دقیقاً بررسی نمودی و معاشرت با او را برگزیدی، آن‌گاه با او بر اساس گذشت و چشم‌پوشی از لغزش‌ها و یاری کردن در سختی‌ها، دوستی کن.» امام در این کلام نورانی، نقش دوست را در زندگی به فرزندش گوشزد می‌کند.

۳. محیط

انسان با رفت‌وآمد به مجالس و محافل، تحت تأثیر رفتارها و حرکات شرکت‌کنندگان در آن محیط‌ها قرار می‌گیرد. امام حسن مجتبی علیه السلام در سخنی، هم به اصل تأثیر مجالس اجتماعی و محیط اطراف اشاره دارد و هم به شرکت در محافل سالم و مفید توصیه و ترغیب می‌نماید؛ آنجا که می‌فرماید:

۱. عبدالکریم پاک‌نیا، پدر، مادر شما را دوست دارم، ص ۲۴.

۲. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۳۳.

«مَنْ أَدَامَ الْإِخْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى ثَمَانٍ: آيَةً مُحْكَمَةً وَأَخًا مُسْتَفَادًا وَعِلْمًا مُسْتَرْفَعًا وَرَحْمَةً مُنْتَظَرَةً وَكَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى الْهُدَى أَوْ تَرُدُّهُ عَنِ الرَّدَى وَتُزَكِّي الذُّنُوبَ حَيَاءً أَوْ خَشْيَةً»^۱ کسی که پیوسته به مساجد رفت و آمد داشته باشد، یکی از هشت بهره نصیبش خواهد شد: ۱. یافتن دلیل محکم و قاطع در راه هدف؛ ۲. آشنایی با دوستان جدید؛ ۳. استفاده از دانش‌های نو و اطلاعات تازه و نایاب؛ ۴. رسیدن به رحمتی مورد انتظار از طرف خداوند؛ ۵. یادگرفتن راه‌های صحیح و هدایت‌بخش؛ ۶. آموختن سخنانی که او را از لغزش‌ها و خطاها باز می‌دارد؛ ۷. ترک گناه و معصیت از ترس خداوند؛ ۸. خودداری از گناه به جهت شرم از مردم و ترس از رسوایی.»

۴. استفاده از حسن کمال‌جویی

کودکان و نوجوانان، فطرتاً کمالات و صفات زیبای انسانی را دوست دارند. مربی می‌تواند از طریق ارضای صحیح تفوق‌خواهی، شاگردان خود را به سوی اهداف مورد نظر خویش هدایت کند و آنان را با دلگرمی و نشاط به کسب کمالات و ادار سازد. امام مجتبی علیه السلام روزی فرزندان خود و فرزندان برادر خویش را دعوت کرد و به آنان فرمود: «همه شما، کودکان اجتماع امروز هستید و امید می‌رود که بزرگان جامعه فردا باشید. دانش بیاموزید و در کسب علم کوشش کنید. هر کدام که نمی‌توانید در مجلس درس مطالب استاد را حفظ کنید، آنها را بنویسید و نوشته‌ها را در منزل نگهداری نمایید تا در موقع لزوم مراجعه کنید.»^۲ آن حضرت با این روش صحیح تربیتی، فرزندان را به کسب دانش و درس خواندن ترغیب و تشویق می‌کند.

از دیگر روش‌های تربیت در سیره آن امام همام، معرفی اسوه‌های تربیت و تحکیم خودباوری است که به وسیله راه‌های ذیل تحقق می‌یابد: ۱. احترام به کودک؛ ۲. هم‌بازی شدن با او؛ ۳. انتخاب نام زیبا؛ ۴. مشورت با فرزندان؛ ۵. سلام کردن به کودکان و عمل به گفته‌ها.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بارها امام حسن و امام حسین علیهما السلام را در ایام کودکی احترام می‌نمود. در روایتی آمده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله امام حسن علیه السلام را در آغوش گرفت و بوسید و سپس فرمود: «إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ؛ این پسر من، آقا است.»^۳

۱. همان، ص ۲۳۵.

۲. شهید ثانی، منیة المرید، ص ۳۴۰.

۳. طبرسی، اعلام الوری، ص ۲۱۱.

کودک و نوجوان، فطرتاً به دنبال الگو می‌گردد و این خواسته درونی او در حس تقلید وی جلوه می‌کند. والدین و مربیان، باید با معرفی الگوهای صحیح، حس تقلید او را جهت دهند. آنچه در این میان اهمیت دارد، شناساندن الگوهای راستین است. این شیوه در قرآن کریم فراوان دیده می‌شود. قرآن کریم با معرفی الگوهای کامل، به آموزش خوبی‌ها و کمالات و فضایل انسانی می‌پردازد. حضرت مجتبی‌علیه‌السلام نیز به پیروی از قرآن، در سیره تربیتی خویش این روش را دنبال می‌کند. آن حضرت بعد از شهادت علی‌علیه‌السلام، خطابه بلیغی ایراد کرد و در ضمن آن، به معرفی شخصیت ممتاز علی‌علیه‌السلام پرداخت و فرمود: «ای مردم! در این شب، مردی از دنیا رفت که در هیچ کار نیکی، پیشینیان بر او سبقت نگرفتند و بندگان خدا در هیچ سعادت نمی‌توانند به او برسند. او به همراه پیامبر ﷺ جهاد می‌کرد و جان خود را فدای او می‌نمود.» آن‌گاه با شمردن صفات دیگر امیر مؤمنان علی‌علیه‌السلام، او را به عنوان امام و الگوی مردم مطرح می‌کند.^۱

۱. شیخ عباس قمی، منتهی‌الآمال، ج ۱، ص ۲۲۵.